

تربیت دینی در نظامنامه و ساختار آموزش و پرورش

راضیه محمدزاده حیدری^۱، سمیه ریگی^۲، نجمه قلجائی پور^۳، اسیه کرد تمندانی^۴

^۱مدیر دبستان مائده نظراباد شهرستان راسک

^۲معاون آموزشی دبستان نظراباد شهرستان راسک

^۳آموزگار دبستان نظراباد شهرستان راسک

^۴آموزگار دبستان نظراباد شهرستان راسک

چکیده

آموزش و پرورش رسمی، ضمن انتقال میراث فرهنگی و اجتماعی، تسهیل و تدارک وسایل رشد و پرورش همه جامعه فردی و ایجاد یگانگی و انسجام اجتماعی به ترتیب نیروی انسانی ماهر در زمینه های مختلف تخصصی می پردازد. از دیر باز اساس دغدغه فکری انسان، موضوع تعلیم و تربیت و روش های دستیابی به آن بوده و همواره در تمامی ادوار این امر توجه آدمی را به سوی خود معطوف نموده است. اهمیت موضوع تا به آن حد می باشد که پیامبران و اولیای آنان به عنوان هادیان جوامع، همواره سرچشمه سعادت و رستگاری بشر را در این عرصه جستجو کرده اند. بنابراین اهمیت و جایگاه تربیت دینی در ساختار نظام آموزش و پرورش پیش از پیش احساس می شود. در این راستا هدف پژوهش حاضر بکارگیری جایگاه تربیت دینی در ساختار نظام آموزش و پرورش می باشد روش تحقیق توصیفی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه ای بوده است. نتایج بررسی ها حاکی از تایید فرضیه پژوهش می باشد.

واژه های کلیدی: تربیت دینی، نظام آموزش و پرورش، اندیشه ی دینی، زندگی اجتماعی

مقدمه

نظام آموزشی کشور جمهوری اسلامی ایران با رسمیت دین مبین اسلام و اندیشه‌های دینی و اعتقادی در تعلیم و تربیت اسلامی انسان باید نقش اساسی و برنامه‌ی جامع و دقیق جهت تعلیم و تربیت کودکان در برنامه‌ی درسی و برنامه‌ی پنهان به نحوی مؤثر داشته باشد که کودکان مسلمان ایرانی از ایمان و اعتقادات غنی و جامع برخوردار گردند؛ به دلیل ناآگاهی از اصول و احکام صحیح اسلام یا برداشت ناصحیح از معارف و احکام اسلام در مقابل فرهنگ بیگانه، کمبود و نقص احساس ننمایند و دچار بیگانگی نشوند. اهمیت ویژه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی از آن جهت است که مطابق با فطرت الهی انسان برنامه دارد و دین اسلام بهترین منبع آموزشی و تربیتی را بردارد (مجلسی، ۱۳۷۸: ۳۷۰). اهمیت و نقش آموزش و پرورش در بهسازی و توسعه زندگی فردی و اجتماعی موجب شده است که جامعه و اولیای دانش‌آموزان انتظار داشته باشند که مدرسه محیطی رشد دهنده، پویا و زمینه‌ساز پرورش استعدادها و بالقوه فرزندان آنان باشد. یکی از اهداف تعلیم و تربیت فراهم کردن شرایط مساعد برای شکوفایی استعدادهایی است که بخش عمده آن در مدرسه پیگیری می‌شود مدرسه به عنوان مهم‌ترین جایگاه حضور نسل‌های آینده، باید محیطی سالم و پویا باشد (باس، ۲۰۰۰: ۱۴). از آنجا که تعلیم و تربیت از بنیادهای زندگی اجتماعی است و همواره در زندگی بشر مؤثر بوده است و رابطه بین آموزش و پرورش، رشد و گسترش فرهنگ و تکامل جوامع تا بدان حد است که می‌توان گفت: به هر نسبت جامعه به پایه والاتری از فرهنگ و تکامل برسد، نقش آموزش و پرورش آن نیز در پایه‌ای برتر است (ماهرزاده، ۱۳۸۳: ۶۴)؛ به عبارت دیگر «بشر تنها با تعلیم و تربیت آدم تواند شد و آدمی چیزی جز آنچه تربیت از او می‌سازد، نیست (شکوهی، ۱۳۸۵: ۱۱). در این بین محیط اجتماعی در مقایسه با نظام آموزش و پرورش، تأثیر وسیع و نامحدودی بر دانش آموز دارد؛ زیرا تربیت دینی، توسط نظام آموزش و پرورش با خودپرستی، آزادی عمل، سودجویی و بسیاری از خواسته‌های مورد علاقه دانش‌آموزان در تعارض است؛ حال آن که محیط اجتماعی با بسیاری از علایق فردی، هماهنگ است. (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹: ۳۷۵). در این راستا با توجه به درک و اهمیت موضوع، پژوهش حاضر به بررسی جایگاه تربیت دینی در ساختار نظام آموزش و پرورش در دانش‌آموزان دوره ابتدایی می‌پردازد.

بیان مسئله

تربیت اساس و پایه یک جامعه است. یکی از نیازهای اولیه انسان‌ها و هر جامعه‌ای که به این مقوله و گفتمان اهمیت داده، اثرات مثبت آن را دیده است. گفتمان تعلیم و تربیت یک گفتمان جهانی است. یعنی این گفتمان از روز اول خلقت تا پایان خلقت در بین انسان‌ها شایع بوده و خواهد بود (شمشیری، دوستداری، ۱۳۸۶: ۱۴). یکی از علل مهم تعالی و رشد و بالندگی یک جامعه و بر عکس آن، یعنی سقوط و انحطاط و عقب‌ماندگی یک جامعه مسئله تعلیم و تربیت می‌باشد. از این رو، مسئله تعلیم و تربیت باید گفتمان روز و سکه رایج مسئله اساسی در بین مسئولین امور تربیتی و خانواده و جامعه قرار گیرد. هزینه‌گذاری در این امور باعث جلوگیری بسیاری از رفتارها و ناهنجاری‌های اجتماعی می‌گردد. (پاک دشت، ۱۳۸۶: ۱۲۶). از آنجا که نظام آموزش و پرورش گستره وسیعی دارد که کوچک‌ترین، اما مهم‌ترین واحد این گستره مدرسه است. مدرسه کانون توجه آموزش و پرورش بوده و آماده کردن آن برای یادگیری و آشنا سازی دانش‌آموزان با استعدادها، توانایی‌ها و علایق خود و هدایت آنان به مسیر مناسب رشد و پیشرفت لازم و ضروری می‌باشد (حسینیان، ۱۳۸۵: ۳۷) در واقع موضوع آموزش و پرورش انسان است و انسان موجود بسیار پیچیده‌ای است، بنابراین نظام آموزش و پرورش و دست‌اندرکاران

آن با یکی از پر مسئولیت‌ترین و دشوارترین وظایف در جامعه سروکار دارند. در یک نظام آموزشی سنجیده و عقلانی که مبتنی بر هدف و برنامه عمل می‌کند، ایفای وظایف و فعالیت‌های آموزشی و رهبری آن نباید به افراد فاقد آگاهی و صلاحیت لازم و کافی سپرده شود. به همین دلیل، پژوهش حاضر به مرحله اجرا درآمده است تا صحت و سقم این ادعا را مورد آزمون قرار دهد به این منظور سؤال اساسی زیر در این زمینه مطرح شده است.

سوال تحقیق

بین برنامه‌های درسی و تربیت دینی دانش‌آموزان چه رابطه‌ی وجود دارد؟

اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

کلید پیشرفت جوامع امروزی در دست آموزش و پرورش است. اگر نظام تعلیم و تربیت به بحث‌های نظری مشغول گردد و با روش‌های ناکارآمد و قدیمی راه خود را ادامه دهد، یقیناً همه‌ی ابعاد جامعه با رکود فراگیر روبرو خواهند شد؛ امروزه از آموزش و پرورش انتظار می‌رود به عنوان ابزاری نیرومند برای ارتقاء کیفیت و کارایی آموزش مورد استفاده قرار داد (جمالی، ایران‌نژاد، جهانیان، ۱۳۸۹، ۴۲) یکی از مهم‌ترین، موثرترین و گسترده‌ترین سازمان‌های اجتماعی که مسئولیت انتخاب و انتقال عناصر فرهنگی و علمی را به نسل نو ساخته جامعه بر عهده دارد، سازمان آموزش و پرورش هر کشور است. این سازمان از دیر باز نقشی سازنده و اساسی در بقا و تداوم فرهنگ و تمدن بشری ایفا کرده است. آموزش و پرورش زمینه‌ساز رشد جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و اقتصادی جامعه است (صافی، ۱۳۸۵، ۱۵). وظیفه عمده نظام آموزشی، تربیت و پروراندن همه جانبه فراگیران آن نظام برای ایفای نقش مناسب خود در جامعه در جهت تعالی آن جامعه است. گرچه این تعریف را می‌توان از وجوه متفاوتی مورد بازبینی قرار داد و نقش فرایند‌های آموزشی، پرورشی، پژوهشی و... کارکردهای هر یک از آنها در تکوین شخصیت فراگیر مورد بررسی قرار داد (شیخی، غلامی هره دشتی، ۱۳۹۳، ۵۲) در واقع، کلید پیشرفت جوامع امروزی در دست آموزش و پرورش است. اگر نظام تعلیم و تربیت به بحث‌های نظری مشغول گردد و با روش‌های ناکارآمد و قدیمی راه خود را ادامه دهد، یقیناً همه‌ی ابعاد جامعه با رکود فراگیر روبرو خواهند شد.

آموزش و پرورش

مفهوم آموزش و پرورش اشاره به نظام آموزشی هر کشوری دارد که جریانی منظم و هدفدار به منظور تربیت و رشد استعدادها برای رسیدن به کمال مطلوب است. لذا آموزش و پرورش، فرایندی است که طی چندین سال برای یک فرد قابل تحقق است و نتیجه یک نظام هدفمند است که اهدافش در بلند مدت متبلور شده، باعث رشد سطح فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و توسعه پایدار جامعه خواهد شد. بنا به این ضرورت، نظام آموزش و پرورش باید مسبوق به اصلی و متوجه هدفی باشد. بنابراین تلاش‌های کورکورانه و آزمون و خطا در آن جای ندارد و اهداف غایی و واسه‌ای آن دقیقاً معین و مشخص است. نقش آن برگرفته از عناصر آن است که به صورت نظام دار و منطقی با هم ارتباط دارند و هدف والای آن، به ظهور رساندن استعدادهاست. لذا به تک‌تک احاد جامعه امکان می‌دهد برای شکوفا ساختن استعدادها، علایق و ذوق‌های خود، آزادانه تفکر کنند و بکوشند (آمره، ۱۳۸۳: ۱۲).

تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت را عبارت از ایجاد زمینه و محیط مساعد برای ارضای رغبت‌های فرد می‌داند در این تعریف امیال و رغبت‌های متعلم و متربی مورد توجه است و هرگز به آموزش و پرورش به عنوان یک اصل در جامعه توجه نکرده است و در واقع جامعه فدای فرد شده است و شرایط فقط برای ارضای فرد مهیا می‌گردد تا تمام خواسته‌هایش فراهم شود و حال این که بزرگ‌ترین مصیبت و گرفتاری‌های جامعه در طول تاریخ همین مطلب بوده و هست. اعتقاد ما بر این است که در جامعه بشری خواسته‌های پسندیده و پاکیزه باید ارضا شود و بقیه کنترل و یا حذف گردند. (حاجی کریم نظری، ۱۳۸۸: ۵). به عبارت دیگر، تعلیم و تربیت، فرایند پیچیده‌ای است که هم در آغوش خانواده و اجتماع و هم در محیط مدرسه جریان دارد. بی شک تربیت هم جنبه رسمی دارد که نهاد آن مدرسه است و هم غیر رسمی که نهاد منحصر به فردی متکفل آن نیست بلکه جامعه و زیر مجموعه‌های آن مخصوصاً رسانه‌های همگانی اعم از شنیداری، دیداری و نوشتاری عهده دار آن هستند (پاک دشت، ۱۳۸۶: ۱۲۶).

آموزش و پرورش و اهمیت آن

آموزش و پرورش جریان جامعه‌پذیری یا اجتماعی کردن اعضای جدید جامعه است. جریانی که طی آن مجموعه اعتقادات، رسوم و اخلاق، هنجارها، ارزش‌ها، رفتارها، دانش‌ها، مهارت‌ها و فنون جامعه به نسل‌های جدید منتقل می‌شود. منظور از این تعریف، آموزش و پرورش به معنای اعم است اما آموزش و پرورش به معنای اخص به هر نوع آموزش و پرورش که به شیوه‌ای منظم و مبتنی بر هدف و برنامه صورت می‌گیرد اطلاق می‌شود. این نوع آموزش و پرورش رسمی بوده و از ورود به مدرسه آغاز می‌شود و طی سطوح و مراحل مختلف آن ادامه می‌یابد. فلسفه آموزش و پرورش شعبه‌ای از فلسفه است به معنای دقیق کلمه علم نیست، اما مبحث اساسی از معرفت است که معنای حقیقی همه‌ی علوم تربیتی را روشن می‌کند ویژگی آن نسبت به سایر شعب فلسفه، فلسفه‌ی علوم، حقوق، هنر و... و غیره از لحاظ موضوع آن یعنی تعلیم و تربیت و تمایز آن نسبت به سایر مباحث مربوط به این موضوع، از جهت هدف خاص و روش‌های متفاوت آن است (شکوهی، ۱۳۹۲: ۱۰۷). نلر عقیده دارد، فلسفه آموزش و پرورش را، باید حکمت تربیت بنامیم و مقصود از آن، راهگشایی خردمندانه عمل تربیتی بدانیم، و در جای دیگر بیان می‌شود، فلسفه آموزش را هدایت می‌کند، فلسفه یک علاقه و یا عشق است که به دنبال آزادی است، اگرچه دانش و آزادی دو چیز مشابه نیستند، اما شما هر دو را در فلسفه آموزش و پرورش پیدا خواهید کرد (کیخا نژاد، ۱۳۸۷: ۳۲). آموزش و پرورش رسمی از این لحاظ اهمیت دارد. از یک سو با پرورش قابلیت‌ها و توانایی‌های افراد جامعه به رشد و شکوفایی آن‌ها کمک می‌کند و از سوی دیگر در خدمت اهداف گوناگون نظام اجتماعی است. آموزش و پرورش رسمی، ضمن انتقال میراث فرهنگی و اجتماعی، تسهیل و تدارک وسایل رشد و پرورش همه جامعه فردی و ایجاد یگانگی و انسجام اجتماعی به ترتیب نیروی انسانی ماهر در زمینه‌های مختلف تخصصی می‌پردازد و موجبات جذب و اشتغال افراد را در سازمان‌ها و مؤسسات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی فراهم می‌سازد. الگوی کلی نهادها، مؤسسات و سازمان‌های رسمی جامعه که به واسطه آن انتقال میراث فرهنگی، آموزش علوم و فنون و رشد و پرورش فردی و اجتماعی میسر می‌گردد. اصطلاحاً نظام آموزش و پرورش نامیده می‌شود (علاقه بند، ۱۳۷۱: ۱۹۲). با تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی نیاز به باسواد کردن مردم تشدید شد و تا اواخر قرن نوزدهم در بعضی کشورها قوانین آموزش اجباری در حد ابتدایی به تصویب رسید. الگوهای نظام آموزشی دولتی و غیر دولتی به مرور شکل گرفتند و با استقلال رسیدن اغلب کشورهای غیر اروپایی در قرن حاضر، نظام‌های

آموزشی و مدارس عمومی تحت کنترل دولت، در این کشورها نیز به وجود آمدند. امروزه در اغلب کشورها آموزش و پرورش عمومی به عنوان «صنعت رشد» قلمداد می‌شود و پس از امور دفاعی بیشترین بودجه‌های دولتی را به خود اختصاص می‌دهد. منزلت اجتماعی آموزش و پرورش روز به روز افزایش یافته، عده کثیری از مردم را به آموزش فراتر جلب می‌کند. از این رو کوشش‌های پیگیری برای ریشه کن کردن بی‌سوادی به عمل می‌آید. نظام‌های آموزشی گسترده‌تر و پیچیده‌تر می‌شوند و نظریه‌های تربیتی و روش‌های آموزشی و تدریس دست‌خوش تغییر و دگرگونی می‌شوند بنابراین پذیرفتنی است که در جوامع امروز آموزش و پرورش نقش و مسئولیت خطیری بر عهده دارد. شواهد بسیاری دال بر آن است که این مسئولیت رفته رفته دشوارتر و با اهمیت‌تر می‌شود. رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی و افزایش جمعیت، افزایش مؤسسات آموزشی و ارائه خدمات آموزشی را می‌طلبد از این رو سرمایه و بودجه هفتگی به تأمین و توسعه منابع انسانی، مالی و مادی اختصاص می‌یابد. از سوی دیگر وظیفه و مسئولیت آموزشی و پرورش با اهمیت‌تر می‌شود زیرا که انتظام اجتماعی و وفاق اخلاقی، رفاه اجتماعی و اقتصادی، تأمین امکانات کافی برای ارضای نیازهای معنوی و مادی افراد جامعه مستلزم آن است که اولاً افراد جامعه از لحاظ اخلاقی و اجتماعی تربیت شوند. ثانیاً افراد زنده و مستعد با توجه به قابلیت و توانایی در زمینه‌های نوآوری، تخصص و رهبری پرورش یابند و بالاخره اقشار مردم از امکانات بالقوه هشیار سازی و آزاده پروری جریان آموزش و پرورش عملاً برخوردار شوند تا بتوانند آگاهانه و فعالانه در سازماندهی و اداره جامعه خویش مشارکت کنند. آرمان‌ها و اهداف آموزش و پرورش تحت تأثیر و بر مبنای اصول و اعتقاداتی که از جامعه‌ای به جامعه‌ای متفاوت است معین می‌شوند. به علاوه این اصول و اعتقادات در شکل‌گیری و تحول نظام آموزشی سازمان‌دهی و مدیریت آن، تدوین خط‌مشی‌ها، رویه‌ها و روش‌های اجرایی آموزش و پرورش نیز نقش موثری ایفا می‌کنند (علاقه بند، ۱۳۷۳: ۱۹۳). امروزه آموزش و پرورش به عنوان یکی از سازنده‌ترین سازمان‌ها و از ارکان اساسی برای توسعه آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه مطرح است (نوربخش و علیزاده، ۱۳۷۳: ۲۹). آموزش و پرورش گستره وسیعی دارد که کوچک‌ترین، اما مهم‌ترین واحد این گستره مدرسه است. مدرسه کانون توجه آموزش و پرورش بوده و آماده کردن آن برای یادگیری و آشنا سازی دانش‌آموزان با استعدادها، توانایی‌ها و علایق خود و هدایت آنان به مسیر مناسب رشد و پیشرفت لازم و ضروری می‌باشد (حسینیان، ۱۳۸۵: ۳۷).

ابعاد تربیت

در تربیت باید به رشد همه جانبه و متوازن و شخصیت‌متری در ابعاد عقلی، عاطفی، حرکت اجتماعی، اخلاقی، هنری در جهت وصول به اهداف فرهنگی جامعه توجه داشت، نگرش محدود در تربیت نمی‌تواند ما را به هدف برساند. خداوند انسان را به گونه‌ای خلق کرده است که دارای شخصیتی چند بعدی است، تربیت او هم باید متوجه این ابعاد باشد. تربیتی درست است که انسان را با تمامی ابعادش هدف قرار دهد نه در بعدی یا ابعادی محدود.

بعد عقلانی

از جنبه‌های مهم تعلیم و تربیت اسلامی، جنبه عقلانی آن است. یکی از هدف‌های تعلیم و تعلم و تربیت عبارت است از تعالی دادن و گسترش قوای عقلانی کودکان، به این معنا که از شخص تحصیل کرده انتظار می‌رود که کارها و عملکردها منطبق با موازین عقلانی و منطقی باشد. در تمام مکتب‌های تربیتی بعدی از ابعاد فعالیت‌های مربیان، پرورش و تقویت جنبه

عقلانی است. چون عقل را وسیله تمییز خیر و شر و تشخیص بین اشیا و درک خصوصیات (منافع و فواید) آن‌ها دانسته‌اند. اگر عقل معلومات خارجی را تجزیه و تحلیل نکند و آن را به مثابه مواد خام برای دستیابی به معلومات جدید به کار نگیرد، علم بازدهی چندانی نخواهد داشت. (خسروی، ۱۳۸۶: ۴۳). این نوع تربیت نیز در اسلام مورد توجه قرار گرفته، و برای آن ارزش ویژه‌ای باز شده است. شهید مطهری در این رابطه می‌نویسد: «اسلام یک دین طرفدار عقل است و به نحو شدیدی هم روی این استعداد تکیه کرده است؛ نه فقط با او مبارزه نکرده، بلکه از او کمک و تاکید خواسته است، و تایید خود را همیشه از عقل می‌خواهد. در این زمینه آیات قرآن زیاد است، آیات دعوت به تعقل و تفکر، یا آیاتی که به شکلی مطالب را طرح کرده‌اند که فکرائیگیز و اندیشه انگیز است». (مطهری، ۱۳۸۶: ۲۷۱). اسلام برای پرورش و شکوفایی عقل، راه‌های عملی گوناگونی ارائه داده است که تمام انسان‌ها، در هر سطحی باشند، می‌توانند از آن‌ها بهره گیرند؛ از جمله به اندیشیدن درباره نظام آفرینش، (آل عمران: ۱۹۰) خلقت انسان، (طارق: ۵) موجودات زنده دیگر، (نحل: ۶۸-۶۹) و تاریخ گذشتگان (غافر: ۲۱). سفارش می‌کند. بنابراین، با توجه به تعاریف ذکر شده، رویکرد اسلام به تربیت عقلانی رویکردی جامع و قابل جمع با رویکرد دینی است. رویکردی منحصر به فرد با چهره‌ای عقل‌پذیر که نویدبخش ارزش‌های کامل فکری و هموار کننده چالش‌های تربیت عقلانی است.

بعد اخلاقی

یکی از موضوعات مهم در تعلیم و تربیت انسان پرورش جنبه اخلاقی و تامین نیازهای روحی فرد است. تربیت اخلاقی در واقع، تربیت شخصیت و احیای هویت و پیمودن مسیر کمال است، فرد بدون تربیت و پرورش این جنبه از شخصیت، نمی‌توان به کمال نسبی و معرفت نفسانی توفیق یافت بدون اخلاق نه دین برای مردم مفهومی دارد و نه دنیای آن‌ها سامان می‌یابد. اصولاً زمانی انسان شایسته نام انسان است که دارای اخلاق باشد و در غیر این صورت حیوان خطرناکی است که استفاده از هوش سرشار انسانی همه چیز را ویران می‌کند و به آتش می‌کشد. اینجاست که انسان‌ها احتیاج به تربیت اخلاقی را احساس می‌نمایند. (احمدی، ۱۳۸۵: ۵۴). بنابراین به صراحت می‌توان گفت که بعد اخلاقی تربیت از همه ابعاد تربیت مقدم‌تر و مهم‌تر است و بعد اخلاقی از جایگاه رفیعی برخوردار است. این بعد می‌تواند انسان فرشی و زمینی را به انسان ملکوتی و آسمانی تبدیل می‌کند. بدون پرورش این بعد، انسان توانایی سیر و سلوک به مقصد نهایی را ندارد در کل می‌توان گفت، سعادت و شقاوت هر فرد در گرو تربیت این بعد است.

بعد جسمانی

تربیت جسمانی یعنی پروراندن جسم تا بتواند به حرکات و اعمال مختلف مبادرت کند و بدنش در مقابل انواع میکروب‌ها و امراض مقاوم و قدرتمند باشد. تربیت جسمانی، در حقیقت مربی را برای فعالیت‌های دیگر آماده می‌سازد و زمینه شکوفایی جوانب مختلف روحی و معنوی، عقلانی و اخلاقی انسان را فراهم کند. (خلیل سلطان، ۱۳۷۸: ۱۲۸). برای داشتن تن سالم، نیازمند برنامه غذایی کامل و رعایت بهداشت فردی و اجتماعی و انجام ورزش و تفریحات سالم می‌باشیم. برای دستیابی به موارد فوق نیاز به ارایه یک برنامه جامع و کامل از طرف مسئولین بهداشتی داریم. بعضی از نویسندگان نقطه شروع تربیت بعد جسمانی را از بدو تولد دانسته‌اند، (سلطان القرائی، ۱۳۸۹: ۱۳۰). اما به نظر می‌رسد که از هنگام انعقاد نطفه نقطه شروع تربیت بعد جسمانی شروع می‌شود به این دلیل که سلامت جسمانی مادر بر فرزند تأثیر انکار ناپذیری دارد. بنابراین، مقصود از

پرورش جسمانی فراهم آوردن زمینه رشد و پویایی تن و تأمین سلامت و تعادل قوای بدنی است که فعالیت‌های حیاتی را میسر می‌سازد و مقدمه‌ای است برای پرورش روحانی و معنوی انسان.

بعد اجتماعی

شخصیت انسان بر رفتارهایی تأکید دارد که در ارتباط ما با دیگران سهم مهم بر عهده دارند. انسان چنان به جامعه و انسان‌های دیگر وابسته است، که برخی اجتماعی بودن آدمی را ذاتی او دانسته‌اند و او را مدنی الطبع نامیده‌اند مشارکت‌های عمومی و سیاسی و اجتماعی جایگاه فوق‌العاده‌ای در نزد قرآن دارد، خداوند به پیامبر اکرم می‌فرماید: *وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَاقُلِبَ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ* از پرتو رحمت الهی در برابر آن‌ها نرم (و مهربان) شدی و اگر خشن و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می‌شدند (آل عمران ۱۵۹) خداوند در این آیه ثمره نرم‌خویی را محبت و اجتماع حول پیامبر دانسته و آن را آشکار نموده است و عکس آن را هم که خشونت و تندخویی باعث تفرقه و جدایی است مشخص نموده است و همچنین دستورات زیادی ازایمه معصومین (ع) بر زندگی مسالمت‌آمیز همراه با حقوق دیگران وارد شده است. (خسروی: ۱۳۸۶: ۱۹). می‌توان گفت، تربیت اجتماعی در جایی تصوّر می‌شود که برای انسان‌های دیگر در اجتماع، حقوق و تکالیفی در نظر گرفته شود. زیرا «تربیت» فرایندی است که در بُعد اجتماعی هدفش تسهیل عمل به وظائف اجتماعی در مقابل سایر انسان‌ها و موقعیت‌های اجتماعی است. بنابراین لازمه یک نظام تربیت اجتماعی منسجم، در نظر گرفتن حقوق متقابل افراد انسانی، در جامعه می‌باشد و این نظام باید بتواند با ساده‌ترین روش‌ها متربّیان خود را به حقوق اجتماعی یکدیگر آشنا ساخته و رفتار مطابق آن‌ها را درخواست نماید. (فرهنگ کوثر، ۱۳۸۲). لذا در بعد اجتماعی تربیت دینی، خانواده، دوستان و همسالان، معلمان و مربیان، نظام آموزشی، محیط اجتماعی و رسانه‌ها باید مورد توجه قرار گیرد و تمامی مکاتب الهی و بشری این اصل را پذیرفته‌اند که در صورتی می‌توان به جامعه نظم و ثبات بخشید که حقوق و تکالیفی که برای انسان‌ها در نظر گرفته شده به خوبی مورد عمل قرار گیرد.

بعد عاطفی

عاطفه در لغت به معنای مهر، محبت، دوستی و علاقه‌مندی نسبت به دیگران است و در روانشناسی در معانی متعددی، از جمله: هیجان، احساس، خلق، عادت هیجانی، هیجان توأم با ثبات و انفعالات و کشش‌های مثبت نظیر علاقه‌مندی به دیگران به کار رفته است (جمعی از مؤلفان، ۱۳۷۵، ۴۳۰-۴۳۳). روانشناسان برای عاطفه تعاریف گوناگون و متعددی ذکر کرده‌اند و هر یک در تعریف خود از زاویه خاصی به آن نگریسته‌اند؛ به همین دلیل تاکنون تعریف مشترک و جامع و کاملی در این زمینه ارایه نشده است. از سوی دیگر، بسیاری از روان‌شناسان، عواطف و هیجان‌ها و تمایلات و انگیزش‌ها را به هم درآمیخته‌اند و در تعریف هر یک از این عناوین، به واژه و عنوان دیگر نیز دست یازیده‌اند و از آن عنوان، برای تعریف این یکی کمک گرفته‌اند و نیز در بیان مصادیق و نمونه‌ها، به مصادیق و نمونه‌های عنوان دیگر اشاره کرده‌اند. برای نمونه، «ویلیام مک دوگال» در تعریف هیجان می‌گوید: کیفیت خاصی از برانگیختگی هیجانی را که جنبه عاطفی فعالیت هر یک از غرایز اصلی است، می‌توان هیجان اولیه نامید و «استانلی کاب» نیز می‌نویسند: هیجان دقیقاً عبارت است از حالت عاطفی خاص درونی که معمولاً بر تعبیر و تفسیرهایی مبتنی است. لیبر در زمینه تعریف هیجان، از تعریف انگیزی استفاده می‌کند. او معتقد است هیجان‌ها مانند انگیزه‌ها، سبب تحریک شدگی، برپایی، تداوم و مهار فعالیت می‌شوند؛ مثلاً همان‌طور که ترس یک هیجان

است، یک انگیزه نیز به شمار می‌آید. به نظر وی، هیجان‌ها با ایجاد تغییرات فیزیولوژیکی و رفتارهای سازمان یافته، به فرد کمک می‌کنند تا وی بتواند در مواقع لازم به انجام واکنش‌های ضروری مبادرت و (خداپناهی، ۱۳۷۶: ۱۸۱-۱۸۲). می‌توان گفت، از ابعاد دیگر تربیت، بعد عاطفی آن است. این بعد دارای ظرافت‌ها و دقایق خاصی است. این بعد باعث برانگیختن متربی برای انجام عمل و یا ترک آن می‌شود. یعنی قوه محرکه برای انجام یک فعل است. در بعد عاطفی ما با نیروهای روانی سرو کار داریم. ما تنها به کمک شناخت نیست که رفتار می‌کنیم، بلکه بدون نیروهای روانی یا همان بعد عاطفی نمی‌توانیم شناخت‌های خود را به منصف ظهور و عمل برسانیم. داشتن جنبه بعد شناختی برای انجام یک کار کفایت نمی‌کند. ما باید انگیزه لازم برای انجام کارها را داشته باشیم. بسیاری از انسان‌ها دست به کاری می‌زنند که از نادرست بودن آن آگاهی دارند. بسیاری از افراد که دروغ می‌گویند با اذعان به نادرست بودن این عمل مرتکب نمی‌شوند، برای این گونه افراد، انگیزش دروغ گفتن قوی‌تر از شناخت در مورد آن عمل می‌کند (اسماعیلی یزدی، ۱۳۶۵: ۳۲). از این رو توجه به جنبه عاطفی انسان یعنی بعد انگیزشی و شکل دادن و پرورش دادن انگیزه‌های مثبت و حذف انگیزه‌های منفی از وظایف مهم تربیت است.

پیشینه پژوهش

ذات هر تحقیقی چنان است که جهت تقویت محتوای پژوهش، نیازمند استفاده از تجارب پیشینیان می‌باشد؛ زیرا. تحقیقات انجام گرفته توسط محققین به چراغی می‌مانند که مقداری از راه را به ما نشان می‌دهند و راهگشای ما می‌باشند. که در اینجا به برخی از پژوهش‌های که در این زمینه انجام شده، مروری خواهیم داشت.

امینی و ابراهیمی مهر در سال (۱۳۹۳)، در پژوهش خود تحت بررسی چالش‌ها و راهکارهای تربیت دینی به این نتیجه رسیدند که با توجه به اینکه کودکان به عنوان نسل فردا باید سیر زندگی و اهداف خود را در بستر نظام اعتقادی جامعه مشخص کنند و این کار محقق نمی‌شود، جز از طریق آشنایی با اهداف تربیت دینی، شناسایی مراحل رشدی دانش آموزان، به کارگیری معلمان متخصص و شیفته ی تربیت دینی و شناخت چالش‌های موجود در تربیت دینی.

- جاویدی کلاته جعفر آبادی و مهر محمدی، در سال (۱۳۸۵)، در پژوهش خود تحت عنوان رویکرد تطبیقی به دلالت‌های تربیتی نظریه‌های دموکراسی چالش میان نظریه‌های لیبرال، جماعت گرا و تفاهمی را مورد بررسی قرار داده و آنگاه از بطن مبانی انسان شناسی و مفاهیم و محورهای کلیدی هر یک از نظریه‌های مزبور و از راه استدلال منطقی، دلالت‌های تربیتی (اصول، اهداف، و روش‌ها) آن‌ها استخراج شده است. در ادیان محقق به بررسی تطبیقی مبانی انسان شناسی و دلالت‌های تربیتی مکاتب دموکراسی مورد نظر پرداخته است محققان به صراحت اذعان می‌نمایند که این کار برای اولین بار توسط آن‌ها انجام شده است و از این حیث از نظرهای انتقادی خوانندگان اندیشمند استقبال می‌نمایند.

- دانش در سال (۱۳۸۵)، در پژوهش خود تحت عنوان روش‌های خود تربیتی از دیدگاه اسلام با هدف ارائه‌ی روش‌های خود تربیتی، با بهره‌گیری از متون تفسیری و روایی، به مباحثی مانند مفهوم شناسی تربیت، روش، انواع روش‌های تربیتی، شرح روش‌های خود تربیتی مانند تفکر، توبه، مشارطه، مراقبه، محاسبه، تلقین به نفس، تحمیل به نفس، تزکیه، عبادت، توکل، و تدبیر در قرآن... پرداخته است.

- تاج‌لنین و بازارگادی، (۱۳۸۵)، در مقاله خود تحت عنوان مؤلفه‌ها و شاخص‌های تربیتی از دیدگاه قرآن کریم به این نکته پرداختن که اسلام به عنوان یک مکتب دارای نظام تربیتی خاص خود است این نظام تمایزات اساسی با سایر نظام‌های تربیتی دارد؛ و شاخص‌های تربیتی ریشه در اهداف تربیتی دارند چون شاخص‌ها ابزاری جهت رسیدن به اهداف اند.

روش شناسی پژوهش

روش شناسی تحقیق اختصاص دارد به مباحثی همچون معرفی جامعه آماری، نمونه انتخابی، نحوه جمع آوری اطلاعات، شیوه تجزیه و تحلیل داده ها و نرم افزارهای مورد استفاده. پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و روش آن توصیفی، تحلیلی با رویکرد پیمایشی است. در این بررسی شرایط فوق از دید جامعه نمونه مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته است. جامعه آماری پژوهش حاضر معلمان مدارس دولتی مقطع ابتدایی شهرستان زابل می باشد. نمونه گیری به صورت تصادفی ساده (۱۰۰ نفر) انجام شده است. در این راستا، داده های تحقیق به دو روش کتابخانه ای (استفاده از منابع مکتوب و اسنادی) و روش میدانی (مشاهده، مصاحبه و پرسشگری) از افراد مورد نظر انجام گرفته گرفته است. همچنین، جهت تحلیل داده های از نرم افزارهای Spss استفاده شده است.

یافته های تحلیلی

در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ با استفاده از نرم افزار SPSS محاسبه گردید. دامنه ی آلفای کرونباخ می تواند بین صفر تا یک باشد، هر چه آلفای کرونباخ به سمت ۱ نزدیکتر باشد روایی کار بیشتر است. اگر آلفای کرونباخ کمتر از ۰/۵ باشد ابزار کار تحقیق فاقد پایایی است. آلفای کرونباخ ۰/۷ تا ۰/۵ پایایی متوسط و قابل قبول را بیان می دارد و آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ پایایی ابزار تحقیق را قابل قبول و خوب معرفی می نماید (مهدوی، ۱۳۸۴، ۳۴).

جدول (۱): بررسی میزان آلفای کرونباخ

آلفای کرونباخ	
کانون های آموزشی	۰/۵۴۴
برنامه های درسی	۰/۵۷۹

فرضیه پژوهش

بین برنامه های درسی و تربیت دینی دانش آموزان رابطه ی معنا دار وجود دارد.

نتایج آزمون خی دو (کای اسکور)

نتایج آزمون نیز تفاوت معناداری را به خوبی نشان می دهد. همچنین از آنجائی که مقدار p. value کوچکتر از $(\alpha=0/05)$ است فرض H_0 را در تمامی موارد ذکر شده نمی توانیم بپذیریم. بنابراین فرضیه اول تأیید می گردد.

جدول (۲) نتایج آزمون خی دو (کای اسکور)

ردیف	گویه ها	کای اسکور	Sig (سطح معناداری)
۱	کانون های آموزشی	۵۶/۱۰۰	۰/۰۰۰
۲	برنامه های درسی	۳۲/۰۲۰۰	۰/۰۰۰

نتیجه‌گیری

آموزش و پرورش جریان جامعه‌پذیری یا اجتماعی کردن اعضای جدید جامعه است. جریانی که طی آن مجموعه اعتقادات، رسوم و اخلاق، هنجارها، ارزش‌ها، رفتارها، دانش‌ها، مهارت‌ها و فنون جامعه به نسل‌های جدید منتقل می‌شود لذا از آنجا که نظام تعلیم و تربیت بیش از هر زمان دیگری نیاز به تغییرات اساسی و بنیادین دارد لذا با توجه به تغییر نوع نگرش مخاطبین امر تعلیم و تربیت، خواسته‌ها و انگیزه‌های ایشان برای دستیابی به اهداف و آمال، این تغییرات ناگزیر با گذشت زمان خود نمایی خواهد کرد. از طرف دیگر با وجود اندیشه‌ها و مجموعه‌های فرهنگی مختلف که از سوی رسانه‌های غالب جهان بی‌محابا به حیطه‌ی آموزش و تربیت هجوم می‌آورد به نظر می‌رسد، باید از همین رسانه‌ها در جهت تحکیم بنیان‌های تعلیم و تربیت استفاده کرد تا مهارت‌های پذیرش حقایق و اتخاذ تصمیمات اجتماعی و خانوادگی معقول و بهنگام را در تفکر و فضای حقیقی جامعه نهادینه ساخت تا با ارتقاء سطح فکری و فرهنگی خانواده‌ها، معضلات و مشکلات ناشی از تأثیرات سوء رسانه‌ها به حداقل رسیده و رفتارها و هنجارهای مثبت بالقوه به فعالیت نزدیک شود و بی‌شک این امر تنها پوشش کافی اطلاعات و دوری از یک جانبه‌نگری و تعمق روش‌های نوین سالم و کاربردی، استفاده از رسانه‌ها در امر تعلیم و تربیت میسر خواهد بود در این بین با توجه به ارزش تعلیم و تربیت در نظام هستی و تأثیر آن بر حوزه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی خانواده‌ها و جامعه، به نظر می‌رسد وجود و تعمیم رسانه‌ها در راستای ایجاد تحول در نظام تعلیم و تربیت، امری انکارناپذیر و چه بسا ضروری است. چرا که عدم شناخت رسانه‌ها در کارگیری آن‌ها در مقاطع زمانی مختلف از سوی کودکان و نوجوانان بدون حضور و نظارت مربیان و خانواده‌ها، بی‌شک اثرات نامطلوبی را نیز به همراه خواهد داشت که در صورت ساده‌انگاری و بی‌توجهی ممکن است در دراز مدت با یک فاجعه‌ی تربیتی و آموزشی روبرو شویم، اما آنچه که مهم است با توجه به اطلاع رسانی‌های موجود و شناخت نسبی مسئولان امر آموزش و تربیت، حوزه‌ی فعالیت رسانه‌ها قابل پیش‌بینی و ارزیابی است. هرچند این حوزه‌ها با گسترش ابزارهای ارتباطی نرم افزاری و ماهواره‌ای، کمی مشکل به نظر می‌رسد؛ اما آنچه که اهمیت دارد توجه مربیان و معلمان و به خصوص خانواده‌ها به تأثیر نامطلوب این رسانه‌ها در کنار خاصیت آموزش دهی و تعلیم فراگیر و گسترده‌ی علوم مختلف می‌باشد.

پیشنهادهای

- در راستای بررسی انجام پژوهش حاضر مجموعه موارد زیر پیشنهاد می‌شود:
- آموزش و اصول روش‌های تربیت، با استفاده از متخصصین مجرب در آموزش و پرورش و همچنین در برنامه‌های سیما و در ساعات پر مخاطب و ساخت سریال‌هایی با همین مضمون به لحاظ کاهش اختلافات در خانواده‌ها و برخورداری کودکان از تربیت اولیه صحیح و بی‌ثمر نمودن تبلیغات فمینیستی در کشور صورت گیرد.
- آموزش نحوه عمل تلویزیون و شگردهای رسانه‌های بیگانه و آشنا ساختن فرزندان از کودکی و نوجوانی به خصوص در مقاطع سه‌گانه‌ی آموزش و پرورش با این مسائل از زبان متخصصین مشهور در این رشته‌ها.
- هشدار دهی و آشنا نمودن خانواده‌ها از چگونگی خطراتی که برنامه‌های مبتذل ماهواره که با انحراف اخلاقی و فکری خانواده‌ها را تهدید می‌کنند. ساختن برنامه‌هایی در قالب فیلم و سریال و پخش مصاحبه در محیط خانواده‌های متزلزل که بیانگر الگوپذیری آنان از ماهواره بوده‌اند.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمدعلی (۱۳۷۹)، مناقب آل ابی طالب، مرتبه علامه، قم.
- اسماعیلی یزدی، عباس (۱۳۸۵)، فرهنگ تربیت، قم، انتشارات دلیل ما.
- آمره، سمیه (۱۳۸۳). تاثیرات جهانی شدن و انقلاب اطلاعات بر نظام تعلیم و تربیت کشور. فصلنامه نوآوری های آموزشی، شماره ۹.
- پاک سرشت، محمد جعفر (۱۳۸۶)، نظریه های تربیتی و چالش های نظریه پردازی در آموزش و پرورش ایران، فصلنامه ی نوآوری های آموزشی، شماره ۲۰، سال ۶، صص ۱۲۶-۱۴۸.
- تاج لنین، مرضیه، بازارگانی (۱۳۸۵)، مؤلفه ها و شاخص های تربیتی از دیدگاه قرآن کریم، فصلنامه قرآنی، صص- ۱۳- ۳۲
- جمالی، آذر، ایران نژاد، پریسا، جهانیان، رمضان (۱۳۹۰)، تاثیر کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات بر توانمندی سازی دبیران شهرستان بوشهر، فصلنامه علوم رفتاری.
- جمعی از مؤلفان (۱۳۷۵)، روانشناسی رشد (ج ۱ و ۲)، سمت، تهران.
- حاجی کریم نظری، جعفر (۱۳۸۸)، بخشی از کتاب اولین سخن، انتشارات نظری.
- حسینیان، مرضیه، (۱۳۸۳) سبک رهبران مدیران گروه های آموزشی در دانشگاه علوم پزشکی همدان، مجله آموزش در علوم پزشکی، شماره ۱۲، پاییز و زمستان ص ۱۱۷-۱۲۲
- خدا پناهی، محمد کریم (۱۳۷۶)، انگیزش و هیجان، سمت، تهران.
- خلیل سلطان القرایی (۱۳۸۹)، فلسفه تعلیم و تربیت و آرای تربیتی، انتشارات دانشگاه تبریز.
- شکوهی، غلامحسین (۱۳۹۲). مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی
- شیخی، سعید، غلامی هره دشتی، سهیلا (۱۳۹۳)، نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش، نشریه مطالعات آموزشی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی ارتش، سال دوم، شماره دوم.
- صافی، احمد (۱۳۸۵)، سازمان و قوانین آموزش و پرورش، تهران، انتشارات سمت.
- طاهره جاویدی کلاته جعفر آبادی، مهر محمدی، محمود (۱۳۸۴)، رویکردی تطبیقی به دلالت های تربیتی نظریه های دموکراسی چالش میان نظریه های لیبرال، جماعت گرا و تفاهمی، فصلنامه مطالعات اسلامی، شماره ۷۱.
- علاقه بند، علی، (۱۳۸۴). مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی، ویراست پنجم، چ. هفدهم، تهران: نشر روان.
- فرهنگ کوثر (۱۳۸۲)، شماره ۵۹، تربیت اجتماعی از دیدگاه علوی.
- ماهرزاده، طیبه (۱۳۸۳)، فلسفه تربیتی کانت، تهران، سروش.
- مجلسی، محمد باقرین محمدتقی (۱۳۷۸)، بحار الانوار، اسلامیه، تهران.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۶)، تعلیم و تربیت در اسلام، صدرا.
- مهدوی، مسعود، طاهرخانی، مهدی. ۱۳۸۴. کاربرد آمار در جغرافیا، تهران، انتشارات: قومس، ۴۲۰ صفحه.
- Buss, D, (2000). "The evolution of happiness. American Psychologist", Vol. 55 (1), 15-23
- Fordyce. M (1997). "Educating for happiness". Retrieved from <http://www.gethappy.net/quebec.htm>.